

Evaluation of Theological Arguments on the Prohibition of Human Cloning

Mohammad Baqer Mohammadi Laini¹, Shirzad Gholami², Mohammad Mollai Iveli^{3*}

1- Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Faculty of Medicine, University of Medical Sciences, Sari, Iran

2- Professor, Department of Parasitology, Faculty of Medicine, University of Medical Sciences, Sari, Iran

3- PhD Student of Islamic Philosophy and Theology, Department of Theology, Faculty of Law, Theology, and Islamic Sciences, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

***Corresponding Author:**

Mohammad Mollai Iveli
Department of Theology,
Faculty of Law, Theology,
and Islamic Sciences, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Email:

m.mollai20@gmail.com

Received: 28 Aug 2018

Revised: 22 Jul 2019

Accepted: 07 Jan 2020

Abstract

Human cloning or human reproduction through nonsexual transplantation is an interdisciplinary issue that has been discussed by researchers from different dimensions, including theological dimension and perspective of science, religion, and health. Since some scientific discoveries, such as human simulation, are related to human beliefs, several religious scholars have shown special sensitivity to religious teachings and consider such discoveries to be contrary to the divine verses and religious beliefs; accordingly, in the case of human cloning, they banned it. Therefore, it is necessary to study and examine the argument of their violation and show that scientific discoveries may not only not weaken beliefs but also strengthen faith. As a result, there is a kind of interference in this sacred domain, based on God's special monotheistic viewpoint, which both disrupts and weakens the belief in God.

The present study is a content analysis with the Evaluation of theological arguments on the prohibition of human cloning - regardless of the type of religion - and its evaluation to determine whether human cloning is of creation type, and human beings with this technology actually do the work of God and fail to worship God? According to the obtained results, it was revealed that God's creativity and cause in relation to the world and beings lay along the material causes and factors, not within it. In addition, this is only the God who creates, and scientific discoveries, including human cloning, not only undermine the belief in God but also strengthen it, indicative of the greatness of the Lord.

Keywords: Human cloning, Evaluation, Prohibition, theological argument

► **Citation:** Mohammadi Laini MB, Gholami S, Mollai Iveli M. Evaluation of Theological Arguments on the Prohibition of Human Cloning. Religion and Health, Spring & Summer 2020; 8(1): 68-77 (Persian).



ارزیابی ادله کلامی بر ممنوعیت شبیه‌سازی انسان

محمدباقر محمدی لائینی^۱، شیرزاد غلامی^۲، محمد ملائی ایولی^{۳*}

چکیده

شبیه‌سازی انسان (Human Cloning) یا تولیدمثل انسان از طریق غیرجنسی، مسئله‌ای میان‌رشته‌ای است که محققان درباره آن در ابعاد مختلف از جمله بُعد کلامی و از منظر علم، دین و سلامت بحث کرده‌اند. از آنجاکه برخی کشفیات علمی از جمله شبیه‌سازی انسان، با اعتقادات انسان مرتبط است و برخی از علما نیز حساسیت خاصی به آموزه‌های دینی نشان داده‌اند و این‌گونه کشفیات را متعارض با آیات الهی و عقاید دینی می‌دانند و درباره شبیه‌سازی انسان به ممنوعیت آن حکم داده‌اند، ضرورت دارد ادله نقض آن‌ها مطالعه و نقد و بررسی شود و نشان داده شود که چه‌بسا کشفیات علمی نه‌تنها باعث تضعیف اعتقادات نمی‌شوند، بلکه باعث تقویت ایمان نیز خواهند شد.

مقاله حاضر از نوع پژوهشی تحلیل محتواست و در پی ارزیابی ادله کلامی بر ممنوعیت شبیه‌سازی انسان -فارغ از ادیان و مذاهب- و نقد و بررسی آن است تا نشان دهد آیا شبیه‌سازی انسان از نوع خلق و آفرینش است و بشر با این فناوری حقیقتاً کار خدا را انجام می‌دهد و در عرض خدا قرار می‌گیرد یا خیر. بررسی‌ها نشان داد خالقیت و فاعلیت خدا نسبت به جهان و موجودات، در طول علل و عوامل مادی قرار دارد، نه در عرض آن و فقط خداوند می‌آفریند و کشفیات علمی از جمله فناوری شبیه‌سازی انسان، نه‌تنها اعتقاد به خدا را تضعیف نمی‌کند، بلکه موجب تقویت آن می‌شود و نشانه عظمت پروردگار است.

واژه‌های کلیدی: ادله کلامی، ارزیابی، شبیه‌سازی انسان، ممنوعیت

۱- استادیار فلسفه و کلام، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲- استاد، گروه انگل‌شناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳- دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، گروه الهیات، دانشکده حقوق الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

* مؤلف مسئول:

محمد ملائی ایولی
گروه الهیات، دانشکده حقوق الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Email:
m.mollai20@gmail.com

دریافت: ۰۶ شهریور ۱۳۹۸

اصلاحات: ۰۱ تیر ۱۳۹۸

پذیرش: ۱۷ دی ۱۳۹۸

۱. بیان مسأله، ضرورت و اهمیت پژوهش

شبیه‌سازی انسان (Human Cloning) یا تولیدمثل انسان از طریق غیرجنسی، با تکنیک انتقال هسته سلول غیرجنسی و بارور کردن آن در تخمک فاقد هسته انجام می‌شود و در نهایت موجودی شبیه صاحب سلول جسمی به وجود می‌آورد (۱). این تکنیک اقسامی دارد (۲) و مسئله‌ای میان‌رشته‌ای است که در ابعاد مختلف -از جمله بُعد کلامی- و بر اساس مبانی علمی و دینی، محققان و صاحب‌نظران درباره آن بحث کرده‌اند. بخشی از دلایل مخالفت با شبیه‌سازی انسان، ناسازگار دانستن آن با بنیادهای اعتقادی و مسائل کلامی است که باعث می‌شود برخی گمان کنند شبیه‌سازی در سنت الهی در باب خلقت انسان، توحید خالقیت و احیا، قدرت و مشیت قاهره الهی تردید ایجاد می‌کند و موجب سلب یا تضعیف اعتقاد به خدا می‌شود؛ چون وقتی آدمی بتواند کار خدا را انجام دهد، پس احساس نیاز او به خدا کم‌رنگ و به دنبال آن، اصل وجود خدا و اعتقاد به او بدون فلسفه می‌شود؛ بنابراین، چنین فعلی مجاز نیست.

کلیسای کاتولیک هرگونه تلاش برای شبیه‌سازی انسان را محکوم می‌کند و آن را عملی غیراخلاقی و ناقض کرامت انسانی می‌شمارد (۱،۳). علمای یهود در رابطه با شبیه‌سازی انسان مولد دو نظر دارند؛ بعضی آن را حرام و بعضی جایز می‌دانند (۴). علمای اسلامی نیز اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را حرام و برخی دیگر مجاز می‌شمارند. علمای اهل سنت به تحریم شبیه‌سازی حکم کرده‌اند؛ هرچند اعتراف می‌کنند که شبیه‌سازی از نوع خلق نیست. در بیانیه نهایی مجمع الفقه‌الاسلامی نیز آمده است: «مخفی نماند که این عملیات و مانند آن، خلق یا جزئی از خلق به شمار نمی‌رود.» خداوند عزوجل می‌فرماید: «أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (سوره رعد، آیه ۱۶)، (۶). البته ایشان معتقدند که شبیه‌سازی انسان برای عوام شبیه خالقیت انسان در عرض خالقیت خداوند را به وجود می‌آورد و همین از دلایل تحریم شبیه‌سازی است (۷). برخی شبهات کلامی

در این مسئله را ذیل دو عنوان شبهات ناظر به اوصاف الهی و شبهات ناظر به سنت الهی قرار داده و درباره آن بحث کرده‌اند (۸).

هدف از این پژوهش طرح و بیان ادله کلامی ممنوعیت شبیه‌سازی انسان -فارغ از ادیان و مذاهب- و نقد و بررسی آن‌هاست تا معلوم شود که آیا شبیه‌سازی انسان، از نوع خلق و آفرینش است و بشر با این فناوری در حقیقت کار خدا را انجام می‌دهد و در عرض خدا قرار می‌گیرد یا خالقیت و فاعلیت خدا نسبت به جهان و موجودات، در طول علل و عوامل مادی است، نه در عرض آن -که با کشف آن‌ها دیگر جایی برای خدا نباشد- (۹،۱۰) و فقط خدا می‌آفریند.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با شبیه‌سازی انسان مناقشات زیادی وجود دارد که بعضی از آن‌ها کلامی است. علمای شیعه چالش‌های این موضوع را کلامی نمی‌دانند و -بعضی از آنان- ایرادهای دیگری را وارد می‌کنند؛ اما علمای دیگر نقدهای کلامی هم دارند (۱۱) که در مجموعه نقدهای شبیه‌سازی انسان مطرح کرده‌اند، بدون آنکه مستقلاً از آن‌ها بحث کنند. در بین مقالات نیز برخی به ادله کلامی اختصاص ندارد و بیشتر بررسی فتاوا و ادله فقهی است (۱۲). برخی هم فقط به یک مذهب کلامی -شیعه یا سنی- اختصاص دارند (۱۳).

در این مقاله درباره شبهات کلامی این موضوع به‌طور مجزا و بدون اختصاص به دین یا مذهب خاصی بحث شده است. شیرزادی در کتاب خود به شبیه‌سازی انسان در کلام اسلامی پرداخته که در بحث تحدی، از نقض سنت‌ها بحث شده است که عنوان مستقلی دارد. بعضی از عناوین چندان کلامی نیستند؛ مانند شبیه خلق و اعجاز، ولی عنوان «نقض اصل توحید خالقیت» در مقاله حاضر، برای بحث کلامی مناسب‌تر است. همچنین از شبیه احیا به‌صورت شبیه کلامی مستقل در این کتاب بحث نشده است، درحالی‌که در مقاله حاضر به‌صورت مستقل بحث شده است (۱۴).

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجاکه برخی کشفیات علمی از جمله شبیه‌سازی انسان، با اعتقادات انسان مرتبط است و برخی از علما نیز حساسیت خاصی به آموزه‌های دینی نشان داده‌اند و این‌گونه کشفیات را با آیات الهی و عقاید دینی متعارض می‌دانند و در زمینه شبیه‌سازی انسان به ممنوعیت آن حکم داده‌اند. ضرورت دارد ادله نقض آن‌ها مطالعه و نقد و بررسی شود و نشان داده شود که چه‌بسا کشفیات علمی نه تنها باعث تضعیف اعتقادات نمی‌شوند، بلکه باعث تقویت ایمان نیز خواهند شد.

۴. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر از نوع پژوهش تحلیل محتواست. در این مطالعه کتابخانه‌ای، ۲۱ جلد کتب فارسی و عربی و ۱۸ مقاله با کلیدواژه‌های شبیه‌سازی انسان، ادله کلامی، ممنوعیت و ... در مراکز دانشگاهی و حوزوی و در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و انگلیسی معتبر و قابل‌استناد جست‌وجو، جمع‌آوری و طبقه‌بندی شد. پس از پردازش نتایج در حوزه‌های علمی و دینی، نتایج با توجه به برخی نظریات مفسران معتبر تجزیه و تحلیل شد. برخی از ادله کلامی ارزیابی شده در این بحث، گوینده‌ای بالفعل نداشته، ولی ممکن است موافقان ممنوعیت شبیه‌سازی به آن استناد کنند.

یافته‌ها و بحث

در اینجا برخی از دلایل کلامی عدم جواز شبیه‌سازی انسان را ذکر می‌کنیم. سپس آن دلایل را مطابق با ادله عقلی و نقلی نقد و بررسی می‌کنیم.

۱- نقض قدرت، مشیت و اراده تکوینی خدا

شبیه‌سازی، قدرت مطلق خدا را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا این شبهه را برمی‌انگیزد که خدا نتوانسته است از سلول غیرنطفه، انسان بیافریند، ولی بشر این کار را انجام داده است؛ پس بشر کاری انجام داده که خداوند نتوانسته است آن را انجام دهد یا اگر توانسته، نخواست است که

انجام دهد. بدین ترتیب قدرت مطلقه، مشیت و اراده تکوینی غالب و قاهر خداوند زیر سؤال می‌رود. در پاسخ باید گفت که چگونه می‌توان فهمید که خواست تکوینی خداوند بر آن تعلق گرفته است که انسان، از غیر راه معمول و غیرنطفه تولید نشود یا خداوند نتوانسته است چنین انسانی بیافریند تا شبیه‌سازی انسان نقض این خواست تکوینی و قدرت مطلقه خداوند باشد. این برداشت باطل و بدون دلیل است؛ زیرا بشر با استعداد خدادادی که در سلول‌های غیرجنسی انسان موجود است و ده‌ها ظرفیت و استعداد دیگر، نتوانسته است چنین کاری انجام دهد و در زمین قدرت و مشیت الهی بازی کند. پس چگونه می‌توان گفت که انسان کاری را انجام داده است که خداوند نتوانسته یا نخواست است؟ همچنین طبق این برداشت باید تمام اختراعات و نوآوری‌ها در عرصه‌های فناوری را خروج از حوزه قدرت خدا بدانیم و قیام علیه خداوند تلقی کنیم. البته چنین تلقی‌ای فقط به فناوری شبیه‌سازی اختصاص ندارد.

۲- نقض سنت الهی

آیات قرآن گویای آن هستند که سنت تکوینی الهی در خلقت موجودات بر نظام زوجیت است (۱۵) (نبا/ ۸، نجم/ ۴۵، ذاریات/ ۴۹). اگر طریقه دیگری به‌غیر از آمیزش و ازدواج برای تولید انسان به وجود آید، خلاف دلالت قرآنی خواهد بود (۱۶، ۳). همچنین سنت الهی بر اصل تنوع افراد انسانی و اختلاف در شکل، رنگ و جهت دیگر است، در صورتی که انسان‌های شبیه‌سازی شده یکسان هستند و حکمت اختلاف انسان‌ها این است که همدیگر را بشناسند تا نظام خانواده و جامعه، محاکم قضایی و ... به هم نخورد (۳، ۱۷)؛ بنابراین، شبیه‌سازی انسان با سنت زوجیت و تنوع ناسازگار است. پاسخ‌ها عبارت‌اند از:

۱- منتقدان باید دلیل فقهی یا آیه و حدیثی برای حرمت شبیه‌سازی انسان و وجوب انحصار تولیدمثل از مسیر ازدواج ارائه دهند که چنین دلیلی وجود ندارد (۱۸).

آغاز خلقت انسان را از نطفه، سپس علقه، مضغه و ... می‌داند؛ اما در فناوری شبیه‌سازی به‌جای استفاده از دو سلول نر و ماده، هر دو سلول را از یک جنس انتخاب می‌کنند که عمدتاً جنس ماده است و انسان از سلول آفریده می‌شود، نه از نطفه. همچنین برخی آیات زن را کشت‌زار مردان می‌داند، مانند «نساءکم حرث لکم؛ زنان شما کشت‌زار شمایند» (بقره/۲۲۳)، در صورتی که در شبیه‌سازی، زن می‌تواند کشت‌زار خودش باشد و از سلول خودش بارور و بچه‌دار شود. بر اساس همین شبهه تعارض، وقتی از دکتر طنطاوی (شیخ‌الزهر) درباره استنساخ سؤال شد، به آیه «هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء» و «انه خلق الزوجین الذکر والانثی من نطفه» استشهاد کرد و گفت: «اما غیر ذلک فهو حرام؛ جز این راه عادی که تولید از طریق نطفه باشد، حرام است» (۲۵).

پاسخ‌های ما عبارت است از:

۱- دانشمندانی که به شبیه‌سازی انسان دست زدند، منکر خدا نیستند و مقصودشان مخالفت و انکار دین نیست؛ بلکه در جهت رشد علم و فناوری برای رفع موانع تولیدمثل و کشف برخی دستاوردهای موردنیاز به چنین اقداماتی دست زده‌اند.

۲- می‌توان درباره رابطه علم و دین گفت که قرآن برخی انحراف وجود انسان یا روال عادی و معمولی تولید انسان -نه همه راه‌های ممکن- را بیان کرده است؛ مثلاً درباره خلقت آدم و حوا، به خلق آبی از خاک، در سایر انسان‌ها از نسل آدم و حوا از مسیر عمل لقاح و تشکیل نطفه و درباره حضرت عیسی به روش دیگری اشاره کرده است. حال شاید راه‌های دیگری همچون شبیه‌سازی هم باشد که قرآن بیان نکرده و علم به آن‌ها دست‌یافته است. در این صورت با غرض دین منافاتی نخواهد داشت و با دین در تناقض یا تعارض نخواهد بود. در رابطه با آیات فوق باید گفت که همه آن‌ها قضیه‌های موجه هستند و اثبات شیء، نفی ماعدا نمی‌کند؛ زیرا اگر گفته شده که انسان از نطفه آفریده شده است، معنایش این نیست که نمی‌شود از غیرنطفه آفریده شود یا نباید آفریده شود و

۲- قرآن تولید انسان را از طریق ازدواج و زوجیت مطرح کرده است، ولی هرگز آن را منحصر بدان نکرده است؛ چون ادات حصر در آن موجود نیست (۱۹)؛ به همین دلیل نمی‌توان از قرآن شاهدهی آورد مبنی بر اینکه سنت خداوند آن است که تولید انسان تنها از راه ازدواج و زوجیت باید باشد.

۳- سلول‌هایی که در شبیه‌سازی استفاده می‌شود، از گامت‌های نر و ماده تشکیل شده است و زمینه تولید نطفه را ایجاد می‌کند (۳).

۴- در صورت پذیرش نظر مخالفان، با چگونگی تولد حضرت عیسی (ع) مشکل خواهیم داشت؛ زیرا در مورد آفرینش حضرت عیسی (ع)، امتزاج مائین و آمیزش جنسی وجود نداشت (۲۰، ۱۸). در مورد اشکال تضاد با سنت تنوع افراد باید گفت که اولاً هنوز اثبات نشده است که انسان‌های شبیه‌سازی شده از تمام جهات جسمی یکسان هستند؛ زیرا کیفیت شکل‌گرفتن جسم انسان، علاوه بر قانون وراثت، به عوامل محیطی، جغرافیایی و تغذیه نیز بستگی دارد (۱۷). دوماً بسیاری از صفات روحی و روانی انسان‌ها با تربیت خانواده و جامعه مرتبط است که در شکل‌گرفتن شخصیت فرد نقشی اساسی دارد. مطالعات نشان می‌دهند خانواده در این زمینه مرجعیت بیشتری دارد (۲۱)؛ در نتیجه افراد شبیه‌سازی شده، اختلاف روحی و روانی پیدا می‌کنند و این امر در نوع رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد، به‌ویژه خصوصیات اعضای خانواده به‌خصوص والدین می‌تواند رفتار کودک را تحت تأثیر قرار دهد (۲۲) و از این طریق هم می‌توان کدهایی برای شناسایی در اختیار داشت و آن‌ها را شناسایی کرد (۲۳). حتی اگر با شبیه‌سازی، همه انسان‌های تولیدشده شبیه هم باشند، می‌توان با کمک علم راه جدیدی را برای شناسایی کشف کرد.

بحث‌های فوق، زمینه‌ساز این ذهنیت شده که میان علم و دین تعارض است؛ نظیر همان ذهنیتی که در زیست‌شناسی، درباره تئوری تبدیل انواع به وجود آمده بود (۲۴). دین خلقت انسان را از زن و مرد (حجرات/۱۳) و

هر دو نتیجه غلط است؛ زیرا اگر گفته شود که آیات قرآن بر این دلالت دارد که نمی‌شود انسانی از غیرنطفه تولید شود، این مطلب ناصواب و خلاف واقع است؛ چون عملاً واقع شده است. اما اگر گفته شود که نباید از غیرنطفه تولیدمثل کرد، این یک حکم تکلیفی (بایدها و نبایدها) است که از بیان توصیفی (هست‌ها) فرایند خلقت انسان از نطفه، بر نمی‌آید؛ پس هر دو نتیجه‌گیری نادرست است.

۳- نقض اصل توحید خالقیت

گاه چنین تصور می‌شود که شبیه‌سازی از جنس خلقت است و دخالت در کار خدا و در تعارض با توحید خالقیت است یا حداقل از آن، کار خدایی استشمام می‌شود. علامه خلیلی، مفتی عام کشور عمان، با آنکه شبیه‌سازی انسان را از نوع خلقت نمی‌داند، آن را نوعی جسارت و دست‌درازی نسبت به خدا قلمداد می‌کند و در پاسخ به سؤالی درباره شبیه‌سازی انسان می‌گوید: «لا یحل ذلک بحال و هو من التناول علی الله و تترتب علیه مفسد جمه فیجب قطع دابره؛ این کار به هیچ‌وجه جایز نیست و دست‌درازی نسبت به خداست و مفسد مهمی بر آن مترتب می‌شود؛ پس باید آن را پایان داد» (۲۶).

ریموند فلین، رئیس اتحاد ملی کاتولیک‌های آمریکا و سفیر سابق آمریکا در واتیکان گفته است: «بعضی شبیه‌سازی را یک پیشرفت پزشکی می‌خوانند. به عقیده من این پس‌رفت اخلاقی است. تولیدمثل اکنون به دست بشر افتاده است؛ درحالی‌که این حقی است که به پروردگار تعلق دارد» (۲۷). این شبهه ممکن است از وجه دیگر زمینه‌ساز توهم خداانگاری انسان و تردید در بی‌همتایی خدا شود. برخی معتقدند کارهایی همچون شبیه‌سازی انسان که در حوزه علوم تجربی اتفاق می‌افتد، شبهه نفی خداوند و توهم خداوندگاری انسان را ایجاد می‌کند؛ همان‌طور که قرآن از زبان بعضی از انسان‌های گذشته همچون فرعون بیان داشته است (نازعات/۲۴، قصص/۳۸). اگر انسان به این مرحله از توانایی برسد، حالتی شبیه روحیات فرعون برای او پدیدار می‌شود و

ادعای الوهیت می‌کند.

پاپ ژان پل دوم درباره شبیه‌سازی می‌گوید: «آن‌ها که از سر تکبر، این باور را در سر دارند که پروژه آن‌ها از پروژه خالق برای بشریت بهتر است، این یعنی خود را خدا پنداشتن و از حدود انسانی و محدوده مجاز بیرون‌رفتن» (۲۰). پدر ویلیام مائستری نیز در این زمینه می‌گوید: «ما تلاش می‌کنیم از طریق این فناوری، خدا شویم و این وسوسه همیشگی بوده است تا فقط خودمان را جای خدا بگذاریم.» (۲۰). پس بر اساس این توهم، شبیه‌سازی، بی‌همتایی خدا در خلق و آفرینش را زیر سؤال می‌برد.

پاسخ‌های ما عبارت است از:

۱- هر کاری که بشر انجام داده است، قطعاً از سنخ کارهای مخصوص پروردگار نیست، وگرنه بشر نمی‌توانست انجام دهد.

۲- طبق آیات (انعام/ ۱۰۲) هر چیزی که مصداق شیء است، از جمله مولود شبیه‌سازی‌شده، مخلوق خداست، نه غیر خدا. عمومیت آیات دیگر بر این موضوع دلالت دارد (بقره/ ۲۲۸).

۳- بین پرورش یک سلول غیرجنسی که به انسان تبدیل شود با یک سلول جنسی که به تولیدمثل بینجامد، چه فرقی هست؟ همان‌طور که دومی مخلوق خداست و شبهه خلق انسان در آن نیست، اولی نیز مخلوق خداست؛ چراکه خداوند به صراحت می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» (واقعه/ ۵۸ و ۵۹). نهادن هسته سلول غیرجنسی در تخمک و رحم مانند ریختن نطفه و منی در رحم است و ماهیت آن‌ها یکی است.

۴- بشر -دانشمندان ژنتیک- تنها علت معدّه است که سلول جنسی یا غیرجنسی را در زمینه مستعد قرار می‌دهد، چنانچه دانه را در دل خاک می‌نهد، اما تبدیل آن سلول‌ها به انسان و این دانه به گیاه و زراعت که مصداق خلق است، کار خداوند است که می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ...» (واقعه/ ۶۴ و ۶۵).

۵- چرا شبهه خلق در تغییرات ژنتیکی گیاهان و



کشف کند و تمام شرایط و اجزای مادی ترکیب موجود زنده را به دست آورد و عیناً نظیر ماده زنده طبیعی را بسازد)، از نظر کشف علمی کار مهمی کرده است، ولی از نظر دخالت در ایجاد حیات به همان مقدار دخالت دارد که پدر و مادر از طریق تناسل در ایجاد حیات فرزند دخالت دارند یا کشاورز در ایجاد دانه‌های گندم دخالت دارد؛ در هیچ‌یک از موارد، انسان خلق‌کننده نیست، بلکه فراهم‌کننده شرایط قابلیت یک ماده برای حیات است» (۹).

۲- مبدأ و منشأ حیات روح انسان است. چنانکه علامه طباطبایی در تعریف روح می‌فرماید: «این کلمه به معنای مبدأ حیات است که جاندار به وسیله آن قادر بر احساس و حرکت ارادی می‌شود...» (۹).

طبق آیات قرآن روح، فقط از جانب خداوند بر انسان دمیده می‌شود. منشأ و مبدأ روح، خداوند است که به عنوان امر الهی از خلق الهی جدا شده است. علامه طباطبایی در تبیین کلمه «امر» ذیل آیه ۸۵ سوره اسراء می‌فرماید: «تعبیر امر درجایی به کار می‌رود که تدریج در کار نباشد؛ یعنی مادی و محکوم به حرکت مادی نباشد. پس روح که از امر خداوند است، به این معناست که آمیخته با ماده، زمان و مکان نبوده و قابل اشاره نیست؛ بلکه موجودی مستقل است که دارای حیات، علم، اراده و قدرت است» (۲۹). با توجه به آیات قرآن (حجر/ ۲۹، مؤمنون/ ۱۲ تا ۱۴، اسراء/ ۸۵) ملاحظه می‌شود که دمیدن روح و حیات فقط از جانب خداوند صورت می‌گیرد و انسان در مسئله شبیه‌سازی، همانند تولید طبیعی صرفاً شرایط حیات را فراهم می‌کند، نه آنکه روح بدمد و حیات بیافریند. پس تفاوت در کیفیت آفرینش انسان دلیلی بر حیات‌بخشی انسان و مشارکت او با خدا نیست.

۵- تغییر در خلقت

منتقدان معتقدند شبیه‌سازی انسان نوعی تغییر در خلقت و تردید در مشیت قاهره الهی است؛ زیرا مشیت خداوند بر تولد طبیعی انسان از طریق نطفه است و

حیوانات مطرح نمی‌شود، اما در شبیه‌سازی انسان مطرح است؟ اگر بناست که این کارها مصداق خلق و نقض خالقیت خدا و توحید باشد، پس در آنجا نیز باید مطرح باشد و از آن‌ها منع و جلوگیری شود.

۶- مواد اولیه شبیه‌سازی همچون تخمک، سلول و ... نیز مخلوق انسان نیست؛ بلکه در طبیعت موجود است و دانشمندان برای تولید آن از مواد طبیعی استفاده می‌کنند و خالق مواد طبیعی نیستند (۱۸).

۷- به فرض اینکه انسان دخالت کرده و با شبیه‌سازی به تولید انسان پرداخته است، حیات انسان به روح وابسته است و روح، آفریده و دمیده الهی است (۲۸).

۸- سلول‌هایی که در شبیه‌سازی استفاده می‌شود از گامت‌های نر و ماده تشکیل شده است که زمینه تولید نطفه برای آن‌ها فراهم می‌شود؛ بنابراین، شبیه‌سازی روش دیگری برای تولید انسان است که خداوند آن را در عالم تکوین و طبیعت قرار داده و بشر فقط توانسته است آن را کشف و بهره‌برداری کند (۳).

همچنین در پاسخ به توهم خدانگاری انسان و تردید در بی‌همتایی خدا باید گفت که اگر بنا باشد انسان با شبیه‌سازی به عجب و غرور برسد و خود را خدا بینگارد، این غرور تنها از فناوری شبیه‌سازی حاصل نمی‌شود، بلکه در هر زمینه‌ای که پیشرفتی داشته باشد می‌تواند احساس غرور و خودخواهی و ادعای الوهیت کند و بی‌همتایی خدا را به چالش بکشید و مورد تردید قرار دهد؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيْفَى أَنْ رَأَى اسْتَعْنَى» (علق / ۷-۶).

۴- احیاء توسط انسان

ممکن است چنین تصور شود که انسان با اعمالی چون شبیه‌سازی به احیای موجودات و از جمله انسان توانمند شده است و حیات‌بخشی انحصاری را از خداوند سلب کرده و در این حوزه شریک خدا شده است.

پاسخ‌های ما عبارت است از:

۱- چنان‌که شهید مطهری می‌فرماید: «اگر بشر روزی چنین توفیقی حاصل کند (قانون خلقت جانداران را



خلق، مطلق است و به خلق انسان اختصاص ندارد، درحالی‌که آن‌ها در کل، مجاز هستند (۳۹).

نتیجه‌گیری

فناوری شبیه‌سازی انسان به حوزه علم و سلامت منحصر نیست، بلکه مسئله‌ای میان‌رشته‌ای است. همان‌گونه که مورد توجه مجامع علمی و دست‌اندرکاران بخش سلامت است، جوامع دینی و صاحبان ادیان و مذاهب نیز درباره آن بحث کرده‌اند. بخشی از این نقدها از منظر کلام و بر مبنای ادله کلامی و الهیات است. البته عالمان و فقیهان شیعه این ادله را برای نقض و نفی توحید و برخی صفات الهی در مورد شبیه‌سازی انسان را مردود و برای اثبات ممنوعیت شبیه‌سازی انسان ناتمام می‌دانند و اشکال اصلی را در پیامدهای حقوقی، جامعه‌شناختی، اخلاقی و ... می‌دانند نه کلامی. با بحث مفصلی که در این مقاله پیرامون ادله کلامی بر منع شبیه‌سازی انسان انجام شد، نارسایی این ادله در اثبات مدعی روشن و اثبات شده است. بررسی دلایل کلامی مخالفان شبیه‌سازی نشان می‌دهد دلبشان مخدوش است و شبیه‌سازی از نظر کلامی، با بنیادهای اعتقادی منع و مخالفتی ندارد و می‌توان از این فناوری بهره برد.

پیشنهادات

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود مطالعات و پژوهش‌هایی در زمینه شبیه‌سازی از منظرهای مختلف از جمله حقوقی، فقهی، اخلاقی، اجتماعی و ... انجام شود.

حمایت مالی

این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی نداشته است.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اعلام می‌کنند در این پژوهش تمامی اصول اخلاقی مرتبط رعایت شده است.

شبیه‌سازی این نظم طبیعی را تغییر می‌دهد و با مشیت و خواست خدا می‌جنگد و آن را مورد تردید قرار می‌دهد. پس نظم طبیعی خلقت و تولیدمثل انسان به هم می‌خورد و انسان غیرطبیعی به‌جای انسان طبیعی ساخته و تولید می‌شود و مشیت قاهره الهی نقض می‌شود و مورد تردید قرار می‌گیرد. این همان وعده و خواست شیطان است که گفت: «به آن‌ها دستور می‌دهم، پس خلق خدا را تغییر می‌دهند» (نساء/ ۱۱۹).

در پاسخ باید گفت:

۱- مقصود از تغییر خلق که از قول شیطان نقل شده، انحراف از توحید و فطرت دین‌خواهی است؛ زیرا به حکم آیه قرآن، خلقت انسان بر اساس دین‌خواهی است (روم/ ۳۰). پس روی‌گردانی از دین یا تغییر دین، همان تغییر خلقت و عدول از سرشت انسانی است. برخی مفسران نیز همین را گفته‌اند؛ برای نمونه، جابر از امام محمدباقر علیه‌السلام نقل کرده است که ایشان فرمودند: «خلق الله یعنی دین الله» (۳۰). گفته شده مقصود دین الله است. این سخن را قول خداوند سبحان تأیید می‌کند: «فطره الله آلتی ...؛ و اراده فرمود تغییر حلال به حرام و حرام به حلال را» (۳۱). مقصود از تغییر خلق الله، بیرون رفتن از حکم فطرت و ترک دین حنیف است (۳۲). در روایتی دیگر از ابن‌عباس آمده است که تغییر خلق الله یعنی تغییر دین الله. این مطلب از امام باقر و امام صادق نقل شده است (۳۳) که گفته‌اند که خلق در اینجا به معنی دین است و در جای دیگری گفته شده است: «لا تبدیل لخلق الله ای لدین الله؛ تغییر دین آن است که حلال را حرام و حرام را حلال می‌کردند» (۳۴).

۲- انسان بسیاری از تغییرات را در جسم خود ایجاد می‌کند؛ مثل پیوند عضو، تغییر جنسیت، جراحی زیبایی، باروری مصنوعی و ... که باید آن‌ها نیز بر اساس این شبهه حرام باشند، با آنکه مجاز شمرده شده‌اند (۳۵-۳۸).

۳- بسیاری از تغییرات ژنتیک در گیاهان و حیوانات انجام می‌شود که آن‌ها نیز مصداق شبهه مورد بحث هستند و باید حرام باشند؛ چون وعده شیطان به تغییر در

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از تمامی افرادی که به نحوی در این مقاله یاری رساندند تقدیر و تشکر می‌شود.

References

- Mohammadi Laini MB. Study of jurisprudential of human cloning comments scholars and experts with a focus on Najaf Seminary. Tehran: Cultural and Scientific Publishing Co; 2014. P. 9-12 (Persian).
- Mohammadi A. Human cloning. 2nd ed. Tehran. Maarf Publication Office; 2010 (Persian).
- Maghami A. Theological challenges of human cloning. A Research Quarterly in Islamic Theology (Kalam) and Religious Studies. 2008; 4(12):155-86 (Persian).
- Moeinifar M. Cloning: aspects of scholars of Judaism. Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine. 2011; 4(5):11-21 (Persian).
- Holy Qur'an. Trans: Naser Makarem Shirazi. Qom: Sarmayeh Press; 2011 (Persian)
- Statement on human cloning. Statement No. 94. International Islamic Fiqh Academy. Available at: URL: <http://www.iifa-aifi.org/2013.html>; 2013.
- Esfandani S. The study of soul in human cloning. Human and Religious Studies. 2015; 12(33):97-116 (Persian).
- Shirzadi F, Tayebi Z. Human cloning in Islamic theology. Tehran: Danesh Publications; 2016. P. 91 (Persian).
- Motahhari M. Philosophical papers. Tehran: Sadra; 2011. P. 49-50 (Persian).
- Motahari M. Twenty Speeches. Tehran: Sadra; 2016. P. 229 (Persian).
- Laini MB, Afzali MA, Gholami S. A review on advantages and disadvantages of human cloning. Journal of Mazandaran University of Medical Sciences. 2017; 27(148):176-86 (Persian).
- Islami S. Human cloning from Shi'a point of view; four perspectives review. Journal of Fiqh. 2005; 12(44):3-66 (Persian).
- Islami S. Human cloning from Sunni theological point of view. Research Journal of Association for Islamic Thought. 2005; 1(2):85-118 (Persian).
- Shirzadi F, Tayyebi Z. Human cloning in Islamic theology. 1st ed. Tehran: Bikaran Danesh Publications; 2016 (Persian).
- Ezadifard A, Haji HM. Jurisprudence evaluation of secondary orders for human cloning & further criticisms. Teb Va Tazkieh. 2015; 24(1):93-108 (Persian).
- Ashghar M. Jurisprudence's topics in medical jurisprudence. Tehran: Medical Fiqh; 2002. P. 25 (Persian).
- Suleimanal Saadi D. Cloning between science and jurisprudence. 1st ed. Beirut: Darul-Arabi; 2002. P. 277-309.
- Esmaeili M. Cloning and its jurisprudential, doctrinal and ethical implications. Iranian Journal of Medical Law. 2009; 3(8):109-47 (Persian).
- Muzaffa M. The principles of jurisprudence. Qom: Makat al-'Alam al-Islam; 1994. P. 3128.
- Eslami SH. Cloning in Catholicism. Journal Haft Aseman. 2005; 27:55-96 (Persian).
- Darabinia M, Fakhar M, Mohammadi Laini MB. A survey on the information source of religious teachings among students of Mazandaran University of medical sciences, Sari, Iran. Journal of Religion and Health. 2018; 6(1):37-45 (Persian).
- Najmi SB, Hassanzadeh A. Correlation between personality traits of parents and type of behavioral disorders in children. Journal of Fundamentals of Mental Health. 2010; 12(46):522-33 (Persian).
- Alwan T. Human cloning between Quran and Hadith science. Beirut: Darulovfa; 1998. P. 73.
- Khosrowphanah A. New theological issues and religion philosophy. Qom. International Center for the Translation and Publishing of Al-Mustafa; 2014. P. 326-42.
- Bahralolum H. Human cloning and the position of Shari'a Islam. Kuwait: Lectures by Sheikh Mustapha Herandi; 1997. P. 18.
- Al-khalili A. Medical Judgments. 1st ed. Muscat, Oman: Publication of Alkhalil Alvaed; 2009. P. 284-5.
- Hester JP. The ten commandments: a handbook of religious, legal and social issues. Canada: McFarland; 2015. P. 206.
- Faqih N. Answers to the problems. Shamim Yas Magazine. 2003; 6:24-6 (Persian).
- Tabatabai M. Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an. Qom: Islamic Publications Office; 1996. P. 195.
- Al-Ayashi M. Interpretation of Al-Ayashi. Tehran: Virtual Library of School of Religious Jurisprudence; 2001. P. 276.
- Tabarsi AA. Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-

- Quran. Beirut: House of Living Arabic Heritage; 1953. P. 173.
32. Tabatabai M. Al-Mizan fi tafsir al-Quran. Qom: Islamic Publications Office; 1996. P. 85.
33. Tusi MB. Al-Tibyan fi Tafsir Al-Quran. Beirut: House of Living Arabic Heritage; 1982. P. 334.
34. Meybodi R. Kashf ul Asrar. Tehran: Amir Kabir; 1992. P. 700.
35. Khomeini R. Extras explanation. Tehran: Institute for the Setting up and Publication of Imam Khomeini Works; 2012. P. 466-7 (Persian).
36. Rahmani MH, Jafari NA. Juridical-legal basics of gene therapy legitimacy in monotheistic religions. Medical Law. 2018; 11(43):7-21 (Persian).
37. Hatami S, Amini R. Xenotransplantation from the perspective of medical jurisprudence and law viewpoints. Journal of Religion and Health. 2017; 5(1):61-9 (Persian).
38. Kariminia M. Jurisprudence of Nopida phenomena. Jurisprudence & Law Quarterly Book Review. 2016; 2(8):93-103 (Persian).
39. Alidoust A, Hosseini Kamalabadi M. Fundamentals of jurisprudence, genetic engineering and transgenic products. Quarterly Journal of Religion and Law. 2016; 4(14):11-48 (Persian).